

غزه مقاوم، غزه مقتدر، غزه مظلوم

محمد حسین زارعی رضائی

گروه آموزشی الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان

﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ (ای مؤمنان، اگر [دین] خدا را یاری کنید، او نیز شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد) (محمد/۷).

و تاریخ پر است از خون‌های مقتدران مظلوم، مقاوم و پیروز که هنوز هم زنده‌اند. پررنگ‌ترین آن‌ها خون امام حسین (ع) فاطمه (س) است. کسی که در گودال قتلگاه و روی نیزه نیز مقتدر است و به تعبیر زینب کبری (س) از این حماسه اقتدار همراه با مظلومیت جز زیبایی دیده نمی‌شود و چه زیبا گفت پیر روشن ضمیر و رهبر راستین مقاومت، خمینی عزیز: «ملتی که شهادت دارد، اسارت ندارد».

آن‌گونه که هیمنه پوشالی دولت اموی در اسارت خون جوشان امام حسین (ع) و زبان گویای زینب (س) بود، امروز هم تمام جبهه ظالم و سفاک استکبار و صهیونیسم جنایتکار و کودک‌کش در چنبره خون کودکان عزیز و زنان و مردان قهرمان غزه است. امروز اقتدار مردم مقاوم غزه جهان سلطه را با تمام فریبکاری و

چند ماه است که گرگ زخمی صهیونیسم با دندان‌های کریه و خون‌آلودش پنجه به جسم و جان غزه می‌اندازد و از شدت استیصال روزبه‌روز وحشیانه‌تر می‌گردد. نتیجه این رفتارهای جهان دریافته است که پراگماترین ارتش جهان از پس تصرف یک منطقه بر نمی‌آید. چرا؟ چون غزه فقط یک شهر نیست، غزه یک مکتب است، در امتداد مکتب شهید سلیمانی. یک گفتمان است؛ گفتمانی غالب، در امتداد گفتمان پیروزی خون مظلوم بر شمشیر ظالم. گفتمان غلبه «فئه قلیله» بر «فئه کثیره». گفتمان حق بر باطل پیروز است. همان گفتمانی که پشتوانه قرآنی دارد: «إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (باطل همواره نابودشدنی است) (اسراء/۸۱).

همان قرآنی که لاریب فیه است، وعده پیروزی جبهه حق را داده است و این پیروزی مشروط به مقاومت است؛ مقاومت از جبهه حق و اقتدار و بی‌تردید نصرت از خداسست و وعده اوست که محقق خواهد شد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا

نیرنگش اسیر خود کرده و آبروی مدعیان از حیوان پست‌تر حقوق بشر دروغین را به چالشی جدی کشانده است. وقتی استاد شهید مرتضی مطهری (ره) فریاد برمی‌آورد که شمر زمانه‌ات را بشناس؛ یعنی هر روز می‌تواند عاشورا باشد و هر سرزمینی می‌تواند کربلا باشد و این بسته به میزان بصیرت ماست که جبهه‌حق از باطل را تشخیص دهیم و شمر و یزید و عمرسعدهای قرن بیست‌ویکم را بشناسیم. این ماییم که باید بدانیم با زبان و قلم و قدم و نگاه و فریاد و سکوت خود در کدام جبهه می‌جنگیم.

این بانگ رسای «هل من ناصر» امام حسین بن علی (ع) است که در هر زمانه از یک حلقوم به گوش می‌رسد و وای بر ما اگر با ارتکاب گناه، ناشنوائی را بر خود عارض کرده باشیم و در گیرودار حبالدنیا که به‌حق در رأس کل گناهان است، از شنیدن صدای حق محروم شویم و از این قافله عقب بیفتیم!

کاروان رفت و تو در خواب و بیابان در پیش کی روی ره ز که پرسى چه کنی چون باشی

(حافظ/ غزل ۴۵۸)

کسی که درس عاشورا را خوانده باشد، تکلیفش روشن است. به فرموده امام خمینی (ره): «تکلیف ما را سیدالشهدا مشخص کرده است.»

اکنون نیز راه از بیراه جداست و حق از باطل آشکار است. به اشارت فرمانده بلامنازع جبهه‌حق، خامنه‌ای عزیز، غزه مرز اسلام است و اهالی مظلوم، مقاوم و مقتدرش مرزداران باوفا و صدیق اسلام هستند.

امروز بر ماست که گوش به فرمان فرمانده نهضت جهانی مقاومت و در تأسی به امام حسین بن علی (ع) از بذل جان و مال خود برای دفاع از مرز اسلام دریغ نکنیم. در چنین هنگامه‌ای اگر خود لیاقت و توفیق شرکت در صفوف جهادگران و مدافعان از کیان اسلام را نیافته‌ایم، لااقل در تأسی به سید ساجدین، مرزداران اسلام را دعا کنیم و در قول و فعل و تقریر خود دل در گرو مقاومت جانانه اهالی مظلوم و مقتدر غزه داشته باشیم که به فرمایش مولای متقیان: «فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ، فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ وَ هُوَ لِبَاسُ التَّقْوَى» (جهاد [کارزار با مخالفان دین] دری است از درهای بهشت که خداوند آن را روی خواص دوستان خود گشوده است و آن [جهاد] لباس تقوی و پرهیزکاری است) (نهج البلاغه/ خطبه ۲۷).

اما در این میان، کار ما متولیان آموزش و پرورش و معلمان و در کل خانواده بزرگ و شریف فرهنگیان در همه رشته‌ها بالاخص رشته‌های آموزش معارف دین و مشتقات آن، در قبال مسئله غزه و فلسطین و جنایات رژیم صهیونیستی، حساسیتی دو چندان دارد.

حالا که مدرسه‌های غزه به گورستان کودکان و نوجوانان و میز و نیمکت‌ها تبدیل به تابوت آنان شده است، معلم و دانش‌آموز ایرانی باید به دستور پیامبر اعظم (ص) اهتمام به امور مسلمانان را تعلیم و تعلم کنند تا تعلیم و تعلم آن‌ها واقعاً رنگ عبادت بگیرد.

راه مرزها بسته است؛ اما راه مغزها و قلب‌ها بسته نیست. راه کمک‌های مادی را بسته‌اند؛ ولی راه کمک‌های معنوی هیچ‌گاه بسته نبوده و نیست. معلم و دانش‌آموز تراز انقلاب اسلامی، یعنی معلم و دانش‌آموزی که در پی آموزش و فهم دقیق اهتمام به امور مسلمانان باشد. یعنی آن‌قدر این مسئله برای معلم و دانش‌آموز مهم باشد که شب در خانه، قلبشان با غم غزه بتپد، صبح در صبحگاه با شعار برائت و مرگ بر صهیونیست و استکبار فریاد برآورند، در کلاس درس خود را جای معلمان و دانش‌آموزان غزه تصور کنند و هنگام تعطیلی هر روز یک قدم و یک درجه در درس دوستی با دوستان خدا

و دشمنی با دشمنان خدا پیشرفت داشته باشند. این به آن معنا نیست که درس و بحث و وظایف روزانه در حیطه آموزش و پرورش تحت‌الشعاع قرار گیرد؛ بلکه باید از ظرفیت‌های لایتناهی انسانی استفاده کرد و در کنار درس و بحث، ظرفیت‌های جدیدی در ذهن‌ها و دل‌ها خلق کرد که این ظرفیت‌های درسی و معنوی هم‌افزایی داشته باشند.

کما اینکه علما و حکما و صاحبان علوم گوناگون در طول تاریخ هیچ‌گاه از وظایف دینی و انسانی خود دریغ نوزیده‌اند. از ابن‌سیناها و ابوریحان‌ها و جابرین حیان‌ها گرفته تا علمای معاصر که بیشترشان هم در عرصه علم و هم در عرصه دین و جامعه سرآمد بوده‌اند. نمونه بارز آن در زمانه ما دانشمندان شهید هسته‌ای هستند که همواره در کنار علوم و فنون خویش، درد دین داشتند و لایق شهادت شدند.

امروز معلم و دانش‌آموز و هر کس دل در گرو این کشور دارد، وظیفه‌اش کار جهادی است. هر کس در هر سنگری که هست، باید به اقتضای مسئولیتی که برعهده دارد کار جهادی کند و خستگی نشناسد. حال که نهضت جهانی مقاومت از شیب‌های تند عبور کرده و به قله‌های سرفرازی نزدیک شده است، خستگی ممنوع است. امروز روز خسته‌شدن نیست. روز ناامیدشدن نیست. امروز روز شوق و امید است. روز حضور و حرکت مقتدرانه است. همه باید در بخش‌های گوناگون با این روحیه حرکت کنند و یکی پس از دیگری نفس‌های آخر دشمن زبون را بگیرند و خستگی و شکست مفتضحانه را بر جنایتکاران سفاک و کودک‌کش صهیونیسم تحمیل کنند. اقتدار و مظلومیت توأمان غزه نماد اقتدار و مظلومیت اسلام عزیز است که به فضل الهی نزدیک است قله‌های کلیدی عالم را فتح کند و زمینه را برای تشریف‌فرمایی فرمانروای جهانی عدل و ایمان مهدی موعود (عج) فراهم آورد.

اللهم عجل لوليک الفرج والنصر!